

نگاهی به معماری آب‌انبارهای ایرانی

انبارهای آب



متن و عکس: محمدمهدی بهمنی

نگهداری آب در یک بنای تاریخی آجری چالشی بزرگ برای معماران است؛ به‌خصوص اگر آن آب هزاران لیتر حجم داشته باشد. اولین مشکلی که معمار ایرانی در ساخت آب‌انبار با آن روبه‌رو بود، وزن بالای آبی بود که در مخزن آن انبار می‌شد. این حجم از آب می‌توانست باعث تغییر شکل کف مخزن و نشست آب‌انبار شود، یا ممکن بود دیوارها زیر فشار آب، کمر خم کنند. مشکل دیگری که معمار باید برای آن فکری می‌کرد، عایق‌بندی مخزن بود تا آب هدر نرود و نشست آب به پایه‌های آب‌انبار آسیبی نرزد. از طرف دیگر، عطش مردم را در تابستان‌های سوزان منطقه‌های کویری فقط آب خنک و گوارا می‌نشاند. بنابراین آب‌انباری که تمام روز را زیر آفتاب تابان قرار داشت، باید آب خنکی برای عرضه مهیا می‌کرد.

معمار سنتی البته برای هر کدام از این چالش‌ها راه‌حلی در ذهن داشت. ساختمان آب‌انبارها به‌مرور زمان چنان پیشرفت کرد که انبار آب و خنک‌نگه‌داشتن آن کمترین کاری بود که از آن‌ها انتظار می‌رفت. آب‌انبارهای تاریخی ایران بناهایی هستند با ریزه‌کاری‌های فنی فراوان که هر جویای علمی را شگفت‌زده می‌کنند.

آب‌سردکن غول‌آسا

وظیفه بادگیرها خنک‌نگه‌داشتن آب جمع‌شده در مخزن بود. هفت بادگیر غول‌آسای روستای «عصرآباد» یزد باد را از هر سو که می‌وزید می‌مکیدند و روی آب‌انبار شده می‌دمیدند. این کار، هم هوای دم‌کرده زیر گنبد مخزن را بیرون می‌راند و هم باعث تبخیر سطحی آب می‌شد. با این تمهید آب خنک می‌شد و آب‌انبار به یک آب‌سردکن بزرگ تبدیل می‌شد. آن‌هایی که آب این آب‌انبارها را نوشیده‌اند، می‌گویند این آب حتی در تابستان هم خیلی خنک بوده است.



آب انداختن

روز آب‌گیری یا آب انداختن آب‌انبار روز ویژه‌ای بود. آب‌گوارا و تمیز را از منابع آب در کوهستان‌های نزدیک، به سمت شهر و آب‌انبار هدایت می‌کردند. اهالی محله‌هایی که در مسیر آب قرار داشتند هم از این اتفاق خبر داشتند تا مبادا کسی در کوچه لباس بشوید یا به هر دلیلی باعث آلودگی آب شود. آب قبل از ورود به مخزن، از یک حوضچه شنی می‌گذشت تا ناخالصی آن گرفته شود و آب تصفیه‌شده وارد مخزن می‌شد. این آب نیاز چند ماه اهالی محل را تأمین می‌کرد.



برکه‌های بین‌راهی

محل آب‌انبارهای میان‌راهی، برای مسافران تشنه و خسته از راه، علاوه بر منبع آب، استراحتگاه و گاه محلی برای اتراف کردن و ماندن بود. نمونه این آب‌انبارهای میان‌راهی در استان هرمزگان فراوان است. این آب‌انبارها که مردم هرمزگان به آن‌ها «برکه» می‌گویند، برای پرشدن چشم به آسمان و امید به بارش باران دارند. برکه‌ها که آب‌انبارهایی ساده هستند، راه‌پله‌ای برای آب برداشتن نداشتند و با یک سطل و طناب از آن‌ها آب کشیده می‌شد. آن نرده تعبیه شده در دریچه هم قرار است از سقوط حیوانات به داخل برکه جلوگیری کند.



راه رسیدن به آب

راه رسیدن به شیر آب و برداشتن آب از مخزن، «پاشیر» بود که طالب آب را تا سطح کف مخزن پایین می‌برد. شیر آب پاشیر بالاتر از کف مخزن تعبیه می‌شد تا موقع آب برداشتن لجن و املاح جمع‌شده در کف مخزن از شیر بیرون نرزد. اما آب‌انبارها تنها محلی برای انبار آب نبودند. بعضی از آن‌ها، مانند همین آب‌انبار «رباط عقدا»، فضاهایی در ورودی یا روی گنبد داشتند که به اهالی محل امکان می‌دادند، اوقاتی را در خنکی دور هم بگذرانند و از احوال هم باخبر شوند. این فضا گاهی کارکرد مسجد یا حسینیه هم داشته است.



ساخت آب‌انبار

دلی پر آب

مخزن آب‌انبار، آب مصرفی چند ماه یک محل را در دلش ذخیره می‌کرد. هر چه محله پرجمعیت‌تر بود، مخزن آب‌انبار آن هم باید بزرگ‌تر ساخته می‌شد. مثلاً این مخزن آب‌انبار «مسجد جامع» قزوین حدود سه هزار لیتر آب در خود جای می‌داد. بنایان در ساخت مخزن از آجر لیمویی‌رنگ که به آن «آجر آب‌انباری» گفته می‌شد، استفاده می‌کردند. همچنین از مخلوط «شفته» و «ساروج» که در برابر نفوذ آب بسیار مقاوم بود، به‌عنوان ملات بین آجرها استفاده می‌شد. گاهی کف مخزن‌های بزرگ سرب می‌ریختند تا از نشست زمین و خرابی آب‌انبار جلوگیری شود، البته این کارآب را تا حدودی مسموم می‌کرد.

